



تحقق رویای صد دلاری

سعیده شفیعی

تولیدکننده و مصرف‌کننده باید خود را برای این شرایط آماده سازند.

این دور تازه از سیر صعودی قیمت‌های نفت، بر خلاف دوره‌هایی از افزایش قیمت نفت که به دلیل کاهش عرضه نفت به بازارهای جهانی پیش آمده بود (مانند سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۹ شوک اول و دوم نفتی) تاکنون تاثیر منفی محسوسی بر متغیرهای کلان کشورهای مصرف‌کننده از جمله رشد اقتصادی و تورم نداشته است. به نظر می‌رسد به سبب منشاء تدریجی بودن افزایش قیمت‌های نفت و همچنین ارتقای مستمر کارایی مصرف انرژی و نفت خصوصاً در کشورهای توسعه یافته، که موجب کاهش شدت انرژی و در نتیجه هزینه آن در واحد ارزش تولید شده است، این کشورها توانسته‌اند خود را با قیمت‌های جدید تطبیق داده و به رشد اقتصادی خود بدون کاهش ادامه دهند.

هر چند با پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال‌های آینده، اکثر کارشناسان اقتصاد انرژی معتقد به استمرار قیمت‌های بالا برای نفت در آینده نزدیک می‌باشند، با این حال گزارش‌هایی که در خصوص تحولات بازار نفت و گاز منتشر می‌شود عموماً حاکی از تشدید صرفه‌جویی‌ها در مصرف نفت و گاز و تلاش برای جایگزینی سایر حامل‌های انرژی از یک سو و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها برای اکتشاف مخازن جدید نفت و گاز، توسعه میادین موجود و افزایش عرضه آن از سوی دیگر

دولتمردان قرار گرفته است. اما شواهد امر نشان می‌دهد که اثرات قیمت‌های بالای نفت بر اقتصاد جهانی مکانیسمی همانند گذشته ندارد.

از دیگر سو، افزایش قیمت‌های نفت در بازارهای بین‌المللی طی سال‌های اخیر به اهمیت این منبع اولیه انرژی در اقتصاد بین‌المللی افزوده است. افزایش قیمت، در اقتصاد کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، آثار مستقیم و موثری را گذاشته و خواهد گذاشت. کشورهای مصرف‌کننده به سیاست‌های ممیزی مصرف و کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری انرژی روی آورده‌اند. این امر به طور طبیعی رقم مطلق کنونی مصرف نفت جهان را کاهش خواهد داد. بنابراین در بلندمدت باید در انتظار کاهش در تقاضای مصرف بود که در کشورهای جهان میزان این کاهش متفاوت است. این امر تولید منابع و انرژی‌های جایگزین را نیز اقتصادی کرده و مورد توجه قرار می‌دهد. اما انرژی‌های جانشین، هنوز در تمامی بخش‌ها نمی‌توانند با نفت و گاز به رقابت بپردازند. به عنوان مثال در آمریکا با وجود رسیدن قیمت بنزین به بالاترین میزان تاریخی خود، برای مصرف خودروهای برقی سوبسید پرداخت می‌شود اما این امر با توجه به کیفیت خدمات آن در مقایسه با خودروهای بنزین سوز با استقبال چندانی مواجه نشده است. بنابراین این می‌تواند گفت‌وگو در بخش حمل و نقل تا ۲۰ سال آینده جایگزینی برای نفت وجود نخواهد داشت و کشورهای

در سال‌های اخیر قیمت‌های نفت به طور قابل توجهی افزایش یافته است. قیمت‌های وست تگزاس اینترمدیت (WTI)، که در طول دهه ۱۹۹۰ حول و حوش ۲۰ دلار در هر بشکه ثابت باقی مانده بود، از ۳۱ دلار در سال ۲۰۰۲ به ۵۷ دلار در سال ۲۰۰۵ و ۶۶ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۰۶ افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۷، قیمت نفت خام WTI افزایش بیشتری یافته است، به طوری که از متوسط ۸۵ دلار در هر بشکه در اکتبر سال گذشته میلادی، در اوایل سال جاری میلادی بالاخره از مرز ۱۰۰ دلار در هر بشکه عبور کرد. تاکنون دلایل متعددی درباره افزایش خیره‌کننده قیمت‌های اخیر نفت از جانب کارشناسان بیان شده است، که در این جا به مهم‌ترین این دلایل و اثرات آن بر اقتصاد جهانی پرداخته می‌شود.

افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ (شوک اول و دوم نفتی) تأثیرات بسیار مهمی بر روی متغیرهای اقتصاد جهانی به وجود آورد. آن دهه معرف پایان ناگهانی عصر رشد اقتصادی صرفاً بر پایه نفت بود که مشخصه دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم تلقی می‌شود. دهه شاخص اقتصادی جهانی از GNP تا تولید فولاد در حوالی سال ۱۹۷۳ افت شدیدی را نشان می‌دهد. می‌توان گفت امروز با صعود قیمت‌ها به حدود ۱۰۰ دلار مجدداً موضوع ارتباط قیمت نفت و تغییرات متغیرهای اقتصادی مورد توجه خاص بسیاری از اقتصاددانان و بخصوص

است. تداوم این فعالیت‌ها می‌تواند در سال‌های آینده روند کنونی قیمت‌های نفت و گاز را تغییر دهد. گرچه بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی، از روند افزایش قیمت‌های نفت ابراز نگرانی می‌کنند و نسبت به تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد جهانی هشدار می‌دهند اما به نظر می‌رسد در مقام مقایسه، افزایش کنونی قیمت نفت با شوک‌های پیشین نفتی نه تنها این روند نسبت به دوره‌های قبل مخرب‌تر نیست، بلکه نشانه‌ای از سلامت اقتصاد جهانی است. بر طبق نظر کارشناسان نفتی، نمی‌توان افزایش قیمت طی چند سال اخیر را "شوک نفتی" نام نهاد؛ چرا که شوک در حالی پیش می‌آید که افزایش قیمت موقتی باشد و پس از مدت زمان کوتاهی قیمت به حال سابق خود بازگردد در حالی که در این حالت چنین نیست.

در سال‌های اخیر رشد تولید ناخالص داخلی در جهان بیش از میزان پیش‌بینی شده است و میزان تورم نیز در سطحی پایین قرار دارد، به راستی چرا این بار بر خلاف شوک‌های پیشین اقتصاد جهانی به این راحتی پیش می‌رود؟ برخی از دلایل این امر را می‌توان در چهار مورد زیر بیان نمود:

۱- ساده‌ترین دلیل این است که، اگرچه میزان افزایش قیمت نفت به زیادی افزایش قیمت این محصول در شوک‌های پیشین بوده است؛ اما این بار افزایش قیمت در روندی تدریجی صورت گرفته است. در سال ۱۹۷۹ قیمت نفت در عرض ۶ ماه دو برابر شد؛ اما این بار این تغییر در عرض ۱۸ ماه اتفاق افتاد و در این مدت خانوارها و شرکت‌ها فرصت بیشتری داشتند که خود را با شرایط موجود آماده تطبیق دهند. در نتیجه آسیب کمتری به اموال و اطمینان آنها وارد آمد و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی نیز آسیب کمتری دید. این دلیل هر چند منطقی به نظر می‌رسد، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده چندان با استدلال مذکور سازگاری ندارد. به عنوان مثال هر چند روند اخیر افزایش قیمت‌های نفت تدریجی بوده، ولی با این حال ایالات متحده از جانب افزایش قیمت‌های مذکور تحت فشار قرار گرفته است؛ چرا که شهروندان آمریکایی در حال حاضر ناچارند در ازای هر گالن بنزین ۳ دلار پول بدهند که این میزان نسبت به سال گذشته دو برابر شده است.

۲- یک دلیل دیگر این است که اگر این قضیه از منظری مورد توجه قرار گیرد، قیمت کنونی نفت چندان هم گران نیست. چرا که اگر قیمت‌های جاری نفت با میزان تورم بر حسب قیمت‌های مصرف‌کننده تعدیل شوند، قیمت هر بشکه نفت باید تا سقف ۹۰ دلار در هر بشکه افزایش پیدا کند تا میزان تورم به سقف سال ۱۹۸۰ برسد. در حال حاضر، قیمت واقعی برای مصرف‌کننده با اوج قیمت‌ها در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۹۰ فاصله دارد.

۳- سومین بحثی که توسط صاحب‌نظران خوش بین مطرح می‌شود، این است که هم‌اکنون اقتصاد مدرن (خصوصاً در کشورهای توسعه‌یافته) بیش از آن که بر اساس قدرت نفت اداره شود، بر اساس قدرت مغز و تراشه‌های الکترونیکی اداره می‌شوند. به یمن افزایش بهره‌وری انرژی

شرکت‌های نفتی بزرگ در واقع در پی تحولات دهه اخیر اهمیت واقعی و موثر خود را در اقتصاد جهانی نشان داده و به تحکیم مواضع خود پرداخته‌اند

حاشیه خلیج فارس با مشارکت شرکت‌های بزرگ غربی شکل گرفته و حضور موثری در اقتصاد منطقه و جهان دارند. الگوی خاص کشورهای عرب برای توسعه اگر چه هنوز به طور کامل به ثمر نرسیده‌اند، ولی به نظر می‌رسد راه‌حل مناسبی برای کل منطقه است که در حال شکل‌گیری است. نقش نیروهای متخصص و کارشناس ایرانی در این روند غیر قابل انکار است و در اکثر این تحولات به ویژه در امارات متحده عربی، نقش مثبت آنان غیر قابل چشم‌پوشی است. در این زمینه شاهد هستیم که بورس در اغلب این کشورها فعال شده و شرکت‌های بزرگی از دل فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای یاد شده متولد شده‌اند که در اقتصاد دیگر کشورها نیز حضور دارند. (توحید، محمدعلی، همشهری، ۱۳۸۵/۱/۱۴).

اثرات افزایش قیمت بر شرکت‌های نفتی

رشد درآمدهای نفتی به درآمدهای بی‌سابقه شرکت‌های بزرگ نفتی منجر شده است. کشورهای پیشرفته‌ای که به ظاهر مصرف‌کننده نفت هستند و از طرفی شرکت‌های بزرگ نفتی را مدیریت می‌کنند، با مشارکت در تولید نفت کشورهای تولیدکننده، مالک منابع نفتی هستند و این امر به طور غیرمستقیم این کشورها را به تولیدکننده نفت تبدیل نموده است. تولید این شرکت‌ها اغلب در حد کشورهای تولیدکننده کوچک عضو اوپک است که نقش مهمی در کنترل بازار داخلی و خارجی نفت دارند. بنابراین، به رغم تورم ناشی از افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی در کشورهای مبدأ، امکان کنترل تورم و تامین درآمد از محل فعالیت‌های تجاری این شرکت‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی اخذ شده از آنها، برای جبران کسری درآمد به وجود می‌آید. لذا، کشورهای بزرگ صنعتی با شرکت‌های نفتی خود در واقع به عنوان تولیدکننده از روند جاری در بازار بهره‌مند می‌گردند. (با همه این احوال، ولی رشد و توسعه این شرکت‌ها به درآمد و سود بی‌سابقه آنان منجر شده که تحت فشار افکار عمومی عملکرد آنان مورد انتقاد قرار گرفته و برخی رویکردهای نظارتی در مورد آنان افزایش یافته تا در عملکرد آنان به مصرف‌کنندگان اجحاف نشده و نشود).

علاوه بر این، شرکت‌های یاد شده با توجه به افزایش قیمت نفت به سوی منابع نفتی کشورهای بی‌تایید از این به دلیل هزینه بالای تولید مورد توجه نبوده‌اند، روی آورده و در اکتشاف در این مناطق رقابت تنگاتنگی را آغاز کرده‌اند که حاصل آن رشد ذخایر شرکت‌های مذکور و رونق بورس‌های کشورهای صنعتی به دلیل داد و ستد بالای سهام این شرکت‌هاست. شرکت‌های نفتی بزرگ در واقع در پی تحولات دهه اخیر اهمیت واقعی و موثر خود را در اقتصاد جهانی نشان داده و به تحکیم مواضع خود پرداخته‌اند. به این ترتیب طبیعی است که افزایش قیمت در کشورهای صنعتی مصرف‌کننده، آن گونه که باید نقش مخربی در اقتصاد آنان نداشته و نخواهد داشت.

که در نتیجه استفاده از منابع دیگر انرژی و تغییر جهت از بخش تولید به بخش خدمات حاصل شده، استفاده از نفت در ازای هر دلار واقعی از تولید ناخالص داخلی، نسبت به دهه هفتاد قرن گذشته به نصف رسیده است. این بدان معنی است که افزایش قیمت نفت آسیب کمتری را به بخش تولید وارد می‌کند. اما با وجود صحت این واقعیت، امروزه بسیاری از اقتصادهای نوظهور همچون چین، هند و کره جنوبی به شدت به بلعیدن انرژی ادامه می‌دهند. این کشورها در ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی خود نسبت به دهه ۷۰ نفت بیشتری را مصرف می‌کنند. علاوه بر این حتی اگر آمریکا نسبت به ۳۰ سال گذشته در ازای تولید ناخالص داخلی خود نفت کمتری را مصرف کند، از طرف دیگر تولید نفت این کشور نیز کاهش یافته و در نتیجه واردات خالص نفت آن به نسبت تولید ناخالص داخلی تقریباً مساوی است (اندکی زیر ۲ درصد). علاوه بر این تأثیر قیمت‌های نفت بر تولید ناخالص داخلی به واردات خالص بستگی دارد، نه به مصرف؛ زیرا تولیدکنندگان نفت زمانی در درآمد خوبی کسب می‌کنند که قیمت‌ها بالاست.

اثرات افزایش قیمت بر کشورهای عربی خلیج فارس

کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس که بیشترین سود را از تحولات جدید کسب کرده‌اند. با توجه به فقدان توان مدیریتی و نیروی انسانی کارآمد، طبق معمول به سوی شرکت‌ها و مدیران غربی روی آوردند و با سپردن مدیریت منابع مالی خود به شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های خدماتی و تولیدی آنها به جذب این درآمدهای حاصل از صادرات نفت در اقتصاد ملی روی آوردند. آغاز این روند با توجه به شرایط و سابقه گذشته در این کشورها سیر عادی و آرامی داشت و در حال حاضر نیز این روند ادامه دارد. ایجاد فرصت‌های شغلی فراوان در این کشورها، نیروی کار اغلب کشورها را به خود جلب کرده به طوری که امروزه شرکت‌های عرب چندملیتی در